



به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز میتوانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.



www.azizibank.af

1515



مرزبانان اجازه ورود به گلبدين ندادند



صفحه ۶

اشرف غني يو ځل بيا وسله‌وال مخالفين سولې ته را وبلل

صفحه ۶



غني در پی

اغتشاش در افغانستان

صفحه ۲

پیام بنیاد شهید مسعود

به مناسبت میلاد نبی اکرم (ص)

فرستاده خدا آمد تا فاصله‌های رسیدن مردم به خدا را کوتاه سازد. راستی، درستی، عدل و انصاف را میان آدمیان رمز جاودانه‌گی قرار داد و با این‌گونه آموزه‌ها، زنده‌گی را معنی بخشید. وقتی روز آمدن پیامبر بزرگوار مان را بر همه جهانیان تبریک می‌گوییم، در یک عبارت، مشترکات انسان بودن را و ارزش‌های والای انسانی را تکریم می‌نماییم و در این میان، حضرت محمد (ص)، شمع محفل این انجمن بزرگ انسانی می‌باشد.

از خدای عالمیان می‌طلبیم تا همه را از تاریکی، خشونت، وابسته‌گی، افراطیت، سبکسری، ریا، حق تلفی، زور گوئی، تبعیض، جهالت و بیراهه رفتن‌ها باز دارد و به راهی را که پیامبر پیموده، راهنما گردد.

چون دین محمد، دین روشنی و راستی بود، دین وسط و اعتدال بود، دین صلح و همگرایی بود، دین معنی و یقین بود، دین دانایی و توانایی بود، دین عدالت و یکرنگی بود.

احمد ولی مسعود

رییس عمومی بنیاد شهید مسعود

برنامه ملی ایجاد کار، گزینه‌ی برای کاهش فقر

دولت جمهوری اسلامی افغانستان، جهت توانمندی اقتصادی، بلند بردن عواید ملی و مهیا ساختن زمینه کار و زنده گی مرفه برای مردم ما، برنامه‌های بزرگی را پلان گذاری نموده و در راستای عملی کردن پروژه‌های بنیادی، گام‌های استوار و متین برداشته است. اما با آن هم نسبت پایین بودن سطح اقتصاد در کشور و ناامنی‌ها، طوریکه لازم است، برای مردم ما شرایط زنده گی مهیا نشده است.

بر اساس نظرسنجی‌های اخیر وزارت اقتصاد افغانستان و بانک جهانی، با وصف ۱.۲ درصد رشد تولید ناخالص داخلی، در سال‌های اخیر ۳۶ درصد افغان‌ها، فقیر مانده و از هر سه افغان، یکی توان خرید مواد خوراکی و تأمین نیازمندی‌های ابتدایی خود را ندارد. فقر، بیشتر در روستاهای افغانستان متمرکز است، یعنی از هر پنج فقیر، چهار نفر در روستاها زنده گی میکنند. بر اساس معیارهای بین‌المللی (خط فقر)، هرکسی که کمتر از ۱.۲۵ دالر در روز درآمد دارد، فقیر به شمار می‌رود. گفته می‌شود که نیمی از باشندگان مناطق شمال شرقی و مناطق مرکزی افغانستان، فقیر هستند.

بنابر تحقیقات دیگر، حدود ۲۰ میلیون نفر در کشور ما زیر خط فقر زنده گی میکنند. این در حالیست که در سال‌های پسین، شمار زیادی از نیروهای کار و افراد با تجربه و شایسته، کشور را به دلایل ناامنی‌ها و نبود کار به مقصد کشورهای اروپایی ترک کرده‌اند. چنانچه از جمله ۱۰ میلیون فرد واجد شرایط کار در کشور، هشت صد هزار تن طور کامل بیکار اند و سه میلیون تن مصروف کارهای کوچک و کوتاه مدت می‌باشند. حکومت وحدت ملی در پیست و ششم عقرب ۱۳۹۴ خورشیدی جهت مهیا ساختن زمینه بیشتر کار و کاهش فقر در کشور، «برنامه ملی ایجاد کار برای صلح» را اعلام نمود که برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات، پروژه حفظ و مراقبت (MCG) آنرا، به پیش میبرد. برنامه همبستگی ملی تا حال دو مرحله پروژه حفظ و مراقبت را با موفقیت تمام تطبیق نموده و در جریان تطبیق مرحله سوم آن قرار دارد.

در مرحله اول برای (۳۷۳۴) شورای انکشافی قریه در ولایت‌های ننگرهار، کنر، لغمان، خوست، هرات، فراه، کندهار، بلخ، کندز، جوزجان، بغلان و فاریاب، حدود (۴۵۰۰) پروژه، حفظ و مراقبت گردیده و برای (۲۳۵۰۰۰) تن از هموطنان ما زمینه کار کوتاه مدت فراهم شده است.

در مرحله دوم، با تطبیق این پروژه (۱۳۶۴) شورای انکشافی در ولایت‌های هرات، غور، بادغیس، فراه و بامیان تحت پوشش آمده و برای (۷۶۱۹۰) هموطن ما زمینه کار موقت فراهم شده است.

مرحله سوم پروژه حفظ و مراقبت که اخیراً آغاز شده است در ولایت‌های کابل، پروان، پنجشیر، کاپیسا، میدان وردگ، غزنی، زابل، ارزگان، هلمند، نیمروز، نورستان، دایکندی، لوگر، پکتیا، پکتیکا، بدخشان، تخار، سمنگان و سرپل تطبیق می‌گردد. در این مرحله در (۶۲۹۷) روستای (۹۷) ولسوالی این ولایات، برای (۲۹۵۰۰۰) تن از هموطنان ایجاد خواهد شد.



احمد عمران



لقب "قهرمان ملی" بر اساس اجماع ملی در کشور برای شهید احمدشاه مسعود، مبارز راه آزادی و استقلال میهن، اختصاص یافته است. این لقب در لویه جرگه ایجاد دولت انتقالی و قانون اساسی، مورد توافق و تأیید همهگانی قرار گرفت و بعدتر نیز آقای کرزی رئیس‌جمهوری پیشین، فرمانی در این خصوص صادر کرد. چند سال بعدتر هم شورای وزیران، هفته شهید و لقب قهرمان ملی را درج تقویم ساخت که به تأیید و تصویب اکثریت اعضای پارلمان کشور رسید و این‌گونه، کاربرد آن برای شهید مسعود، قانونی و همهگانی شد.

از جانب دیگر، پیش از همه، میلیون‌ها نفر از مردم کشور این لقب را از سر اخصاص برای شهید مسعود به‌کار برده‌اند. همچنین بسیاری از کشورهای جهان و مردمان آزاداندیش آن، از شهید مسعود به عنوان قهرمان مردم افغانستان و یکی از قهرمانان بزرگ جهان، یاد کرده و نوشته‌اند پس هیچ دلیل و انگیزه‌ی نمی‌تواند چنین لقبی را به فرد دیگری انتقال دهد.

می‌خواهد که در برابر طرف‌داران حبیب‌الله کلکانی که اکثر از هواداران و نزدیکان شهید احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور بودند، واکنش نشان دهد. این واکنش هرچند دیر هنگام است، ولی معنای خاص خود را می‌رساند. آقای غنی با کاربرد اصطلاح قهرمان ملی در مورد شاه امان الله خان، می‌خواهد عملاً اعتبار چنین اصطلاحی را بگیرد. قصد او، احترام و تکریم شاه امان‌الله نیست، بلکه می‌خواهد از این طریق باعث ایجاد سروصدا و اغتشاش در کشور شود. او می‌داند که اکثر مردم افغانستان به شهید احمدشاه مسعود چه نگاهی دارند و او برای شان چگونه شخصیتی است. او از بار معنایی و ملی چنین شخصیتی می‌هراسد و به همین دلیل می‌خواهد در گام نخست عنوانی را که مردم افغانستان به یکی از چهره‌های محبوب‌شان بخشیده‌اند، از او دریغ کند.

بدون شک در برابر چنین توطیه‌ی باید دست به کار شد و نگذاشت که با ارزش‌های یک ملت، چنین سبک‌سرانه بازی شود. بازی امروز می‌تواند به نزع فردا منجر شود و این چیزی‌ست که آقای غنی و اطرافیانش خواهان آن اند.

غنی در پی اغتشاش در افغانستان

نمی‌تواند چنین واقعیتی را انکار کند. شاید عده‌ی بر اساس علایق سیاسی و یا تباری خود نخواهند که چنین اصطلاحی در مورد شهید احمدشاه مسعود استفاده شود، ولی به دلیل التزام به قانون، حتما همین قشر و گروه نیز محق نیستند که از استفاده آن در مورد شهید مسعود خودداری ورزند. اگر واقعا خود را به ارزش‌های قانون اساسی و جمهوریت در افغانستان پایبند می‌دانند. اما چرا آقای غنی به صورت آگاهانه آن‌هم دو بار چنین اصطلاحی را در مورد شاه امان‌الله خان به‌کار برد؟

شاید دلایل زیادی وجود داشته باشد که او به چنین کاری مبادرت ورزید، ولی من به دو دلیل اصلی که فکر می‌کنم دیگر دلایل در ذیل آن قابل بررسی اند، اشاره می‌کنم.

دلیل نخست: آقای غنی آن‌گونه که از کارنامه سیاسی او در پانزده سال گذشته برمی‌آید، با چنین عنوان و لقبی برای شهید احمدشاه مسعود چندان موافق نیست. او هرچند زمانی وارد افغانستان شد که دیگر شهید احمدشاه مسعود زنده نبود، ولی برخوردهای او با نزدیکان و هواداران شهید مسعود هنوز در یادها زنده است. او در زمان حکومت موقت و انتقالی، وقتی با سران مجاهدین و به‌ویژه نزدیکان قهرمان ملی کشور روبه‌رو می‌شد، از گفتن کنایه‌های نیشدار ابا نمی‌ورزید. او بارها به نزدیکان قهرمان ملی کشور گفته بود که متوجه خود باشید، بی ۵۲‌های امریکا بالای سر شما نیز گردش می‌کنند. منظور آقای غنی از بی ۵۲‌ها، اشاره به جنگنده‌های مدرن امریکایی بود که در جنگ با طالبان شرکت داشتند.

آقای غنی با خطاب کردن قهرمان ملی به شاه امان الله خان، عملاً می‌خواهد بار معنایی و عاطفی این اصطلاح را ساقط کند و این کار بدون تردید آگاهانه صورت می‌گیرد. او می‌خواهد نشان دهد که "قهرمان ملی" افراد دیگری هم شده می‌تواند و نباید چنین اصطلاحی را زیاد جدی گرفت.

دلیل دوم: آقای غنی پس از خاک‌سپاری پیکر امیر حبیب‌الله کلکانی که نتوانست از آن جلوگیری کند، بسیار خشمگین به نظر می‌رسد. چنین اقدامی، خلاف میل او و کسانی که در اطرافش هستند، انجام شد و او نیز در برابر اراده مردم خاموشی اختیار کرد. اما این خاموشی به معنای آن بود که در جای دیگر انتقام خود را خواهد گرفت.

کاربرد قهرمان ملی برای شاه امان‌الله از این منظر نیز قابل بررسی است و آقای غنی

رئیس‌جمهور غنی در مراسم آغاز پروژه بازسازی قصر دارالامان، برای دومین بار در مورد شاه امان‌الله خان صفت "قهرمان ملی" کشور را استفاده کرد. او برای نخستین بار این صفت را در مراسم افتتاح راه‌آهن ترکمنستان - آقینه به کار برد که سبب واکنش‌هایی در سطح ملی شد. بحث و جنجال بر سر موقعیت و جایگاه شاه امان‌الله در تاریخ کشور نیست؛ زیرا همه موقعیت و جایگاه او را به‌خوبی می‌دانند و با کارنامه او به‌خوبی آشنا هستند. در نزدیک به یک قرن گذشته، هیچ شاه و رئیس‌جمهوری در افغانستان نبوده که از شاه امان‌الله به خوبی یاد نکرده باشد. این نوشته نیز در پی تثبیت موقعیت و جایگاه او نیست، ولی روی یک مسأله دیگر بدون شک تمرکز دارد و آن کاربرد اصطلاح "قهرمان ملی" در مورد اوست. این اصطلاح در مورد شاه امان‌الله پیشینه تاریخی ندارد و نه هم مورخان و سیاست‌مداران کشور چنین اصطلاحی را در مورد او به کار برده‌اند. برای نخستین بار این اصطلاح در مورد شاه امان الله خان از زبان آقای غنی بیرون شد و گمان غالب بر آن است که او هدف‌های خاصی را از کاربرد این اصطلاح پیش چشم دارد.

لقب "قهرمان ملی" بر اساس اجماع ملی در کشور برای شهید احمدشاه مسعود، مبارز راه آزادی و استقلال میهن، اختصاص یافته است. این لقب در لویه جرگه ایجاد دولت انتقالی و قانون اساسی، مورد توافق و تأیید همهگانی قرار گرفت و بعدتر نیز آقای کرزی رئیس‌جمهوری پیشین، فرمانی در این خصوص صادر کرد. چند سال بعدتر هم شورای وزیران هفته شهید و لقب قهرمان ملی را درج تقویم ساخت که به تأیید و تصویب اکثریت اعضای پارلمان کشور رسید و این‌گونه، کاربرد آن برای شهید مسعود، قانونی و همهگانی شد. پس هیچ دلیل و انگیزه‌ی نمی‌تواند چنین لقبی را به فرد دیگری انتقال دهد. از جانب دیگر، پیش از همه، میلیون‌ها نفر از مردم کشور این لقب را از سر اخصاص برای شهید مسعود به‌کار برده‌اند. همچنین بسیاری از کشورهای جهان و مردمان آزاداندیش آن، از شهید مسعود به عنوان قهرمان مردم افغانستان و یکی از قهرمانان بزرگ جهان، یاد کرده و نوشته‌اند.

از این رو، قهرمان ملی به صورت اختصاصی برای شهید احمدشاه مسعود کاربرد دارد و نه هیچ فرد دیگری در کشور. اگر کسی به قانون اساسی و نظام فعلی اعتقاد و باور داشته باشد،

سخن‌ماندگار

پیامبر رحمت

و بی‌رحمتی‌های افراطیان

دیروز، روز میلاد باسعادت پیامبر اکرم، آن اسوه عدالت و آزادی بود؛ پیامبری که «پیامبر رحمت و عدالت» معرفی شده است. قرآن معجزه او، احادیث صحیح آن حضرت و انواری که از این پیامبر مهربانی در حیات بشریت ساطع شده است، چنان بزرگ و آفتاب‌گون اند که احدی نمی‌تواند صدق و درستی آن‌ها را کتمان کند و هر موافق و مخالفی، ناگزیر به ارج‌گزاری به مقام شامخ‌شان شده است.

از این پیامبر رحمت در کتاب‌های مختلف، طی قرون و اعصار به‌وفور یاد شده و تا هنوز دنیا کسی را هم‌ردیف و هم‌شان او نیافته است و مسلماً تا پایان جهان نیز هیچ ظرفیتی هم‌سنگ او ظهور نخواهد کرد. بنابراین، ما بسیار خوش‌بختیم که از امت آن بهترین موجودات می‌باشیم. زنده‌گی و رسالت و مبارزه آن حضرت، همه سراسر مایه خیر و هدایت برای تمام بشریت و به‌ویژه مایه فخر و مباهات برای مسلمانان بوده است. تمدن اسلامی‌یی که توانست از شرق تا غرب گیتی بدرخشد و با از بین بردن تبعیض و استقرار عدالت، به الگویی بی‌همتا برای جهانیان تبدیل شد، همه از برکت رنج‌ها و مشقات نبی اکرم (ص) بوده است. مسلمانان قرون اولیه، هرگز با اتکا به شمشیر، پرچم اسلام را بر فراز گیتی نیفراشتند، بلکه آن‌ها با تقرب به آموزه‌های محمدی و پیروی از نیروی خرد، توانستند اندیشه اسلامی را بر سایر اندیشه‌های ضاله غالب سازند و هم‌زمان با باز کردن دروازه برج‌ها و قلعه‌ها، دروازه اذهان ملت‌های دربند جهل و استبداد را بگشایند.

مبارزات فیزیکی رسول اکرم در واقع متمم و مکمل مبارزات عظیم فرهنگی آن حضرت بود که از آغاز بعثت شروع شد و تا ختم رسالت ادامه یافت. او کوشید اسلام و ایمان را وارد قلب‌های بنده‌گان خدا در هر نقطه زمین کند و در این راه، بر خلق حسنه بیش از شمشیر آخته تأکید داشت. محمد (ص) ایمان را بر عقول آدمیان استوار می‌خواست، نه بر جسم مردمان. در نتیجه همین وارسته‌گی و مناعت طبع بود که هم‌اکنون هیچ نقطه‌ی از جهان نیست مگر این که مسلمانی در آن‌جا نماز می‌گزارد و به وحدانیت خدا و رسالت محمد گواهی می‌دهد.

پیام این مرد بزرگ عالم بشریت، چنان روشن و شیواست که پس از قرن‌ها از وفاتش، همچنان آیینش در حال بلوغ و عروج بود و هم‌اکنون نیز این پیام چنان نفوذ و گیرایی دارد که مسلمانان روبرشدترین جمعیت دینی در تمام جهان به شمار می‌آیند. اما با این همه، متأسفانه هرچه از وفات پیامبر رحمت گذشته، فتنه‌های بیشتری در مقابل مسلمانان قد علم کرده و بهانه‌های بیشتری برای مخدوش ساختن آیین انسان‌ساز اسلام فراهم شده است. یکی از این فتنه‌های بزرگ، قرائت‌های افراطی و جاهلانه و یا قرائت‌های صرفاً سیاسی از اسلام بوده که در این اواخر به ابزاری برای بازی بازیگران جهانی تبدیل شده است. این بلائی بزرگ که یا از دل احادیث جعلی و ناصحیح و یا از بطن اجتهادات دینی کم‌مایه سر بیرون کرده، هم‌اکنون امت اسلامی را با این سوال بزرگ مواجه کرده که "چگونه می‌توان آیین اسلام و مسلمانان جهان را در همان مدار اعتلا و بالنده‌گی قرار داد؟"

پاسخ کوتاه اما قاطع به این پرسش این است که: باید جمیع مسلمین به روح انسانی و جوهره عقلانی و اخلاقی اسلام و رسالت محمدی بازگردند و قرآن کلام خدا و محدوداحادیث صحیح و نفع را مدار اجتهاد و عقلائیته دینی خویش قرار دهند. فقط این‌گونه می‌توان آتش جنگ و تعصب را در کشورهای اسلامی خاموش و اسلام را یک بار دیگر به الگویی برای زیست انسانوار به جهانیان معرفی کرد. مسلماً تحقق اسلام در شأن حقیقی، عقلانی و محمدگونه‌اش، نه تنها مسلمانان را از چنگال بازی‌های استخباراتی بیرون خواهد کرد که جهان را ملامت آماده پذیرش این نسخه فلاح و رستگاری خواهد نمود.

سفیر روسیه در کابل:

به طالبان کمک مالی و تسلیحاتی نمی‌کنیم

نمایندگان افغانستان:

روسیه طالبان را مشروعیت سیاسی می‌بخشد



سفیر روسیه در کابل، در پیوند به نگرانی سناتوران در خصوص حمایت مسکو از طالبان به مجلس سنا حضور یافت و توضیحاتی را در این مورد ارائه کرد. الکساندر مانتیتسکی سفیر روسیه در کابل، با حضور در نشست کمیسیون روابط بین‌المللی مجلس سنا افغانستان، تماس این کشور با طالبان را تأیید کرد و تأکید داشت که این تماس‌ها در راستای تأمین امنیت اتباع روسیه و تأمین امنیت در افغانستان است. آقای مانتیتسکی افزود: "روسیه با طالبان تماس برقرار کرده است، ولی هیچ‌گامی سلاح و پول برای این گروه تأمین نکرده است؛ هدف اصلی ما از این تماس، تأمین امنیت اتباع روسیه و تأمین امنیت در افغانستان است." ریاست‌جمهوری افغانستان با انتقاد از این عملکرد روسیه گفته است که به جای رابطه با گروه‌ها، این رابطه باید میان دولت‌ها برقرار شود. این نشست کمیسیون روابط بین‌المللی مجلس سنا افغانستان با سفیر روسیه در حالی برگزار شد که آقای الکساندر مانتیتسکی هفته گذشته، گفت که آمریکا و ناتو مانع اصلی رابطه مسکو با کابل است و اجازه نمی‌دهد، روسیه در مبارزه با تروریسم با افغانستان همکاری کند. الکساندر مانتیتسکی سفیر روسیه در کابل، می‌گوید: "شایعاتی وجود دارد که گویا روسیه نمی‌خواهد در خصوص احوال قطعات چرخبال‌های ارتش افغانستان همکاری کند؛ در سال ۲۰۱۴ آمریکا و ناتو، همکاری

روسیه و افغانستان را در این مورد، به بهانه رویدادهای اوکراین قطع کردند، ما بارها پیشنهاد کرده‌ایم و حالا نیز پیشنهاد می‌کنیم که این روابط و همکاری‌ها از سر گرفته شود تا با تروریسم به صورت مشترک مبارزه کنیم، اما غرب به این درخواست پاسخ مثبت نمی‌دهد." او در نشستی با سناتوران افغانستان خاطر نشان کرد که تماس مسکو با طالبان، تلاشی در جهت آزادی یک پیلوت روسی که با انجیران ترکی سه سال پیش اسیر شده بود، می‌باشد. حکومت افغانستان هم در راستای آزادی این پیلوت کاری نتوانسته و مسکو به این دلیل روابط با طالبان را حفظ کرده است. به گفته سفیر روسیه در کابل: موضع روسیه این است که از صلح و ثبات در افغانستان حمایت می‌کند و نمایندگان مسکو در تماس با طالبان، این گروه را برای انجام مذاکرات با دولت افغانستان و پایان دادن به خشونت‌ها، تشویق می‌کنند. سفیر روسیه در کابل، شایعات کمک تسلیحاتی روسیه به طالبان را کارزاری ضد دولت روسیه در افغانستان خواند و گفت: این مسئله هیچ پایه و اساسی ندارد. مانتیتسکی افزود: "در سال‌های گذشته، دو گروه طالبان و القاعده در افغانستان حضور داشتند؛ اما آن‌طور که رییس‌جمهور غنی گفته است حدود ۳۰ گروه تروریستی در افغانستان فعال اند، روسیه از حضور داعش در افغانستان بسیار نگران است به دلیل این که هدف این گروه کشورهای آسیای مرکزی، ایران، هند،

چین و روسیه است؛ در سوریه و عراق چقدر خشونت و بی‌رحمی کردند؛ حال در افغانستان نیز این خشونت را آغاز کرده است." به گفته آقای مانتیتسکی: با حضور داعش و حدود ۳۰ گروه تروریستی دیگر در افغانستان، این سوال مطرح می‌شود که بخش زیاد پایگاه‌های نظامی آمریکا به چه هدفی در افغانستان ایجاد شده است که نمی‌تواند بر تروریسم پیروز شود. از سوی هم، سناتوران نیز هرگونه ارتباط روسیه با طالبان را خلاف قوانین بین‌المللی خواندند و یادآور شدند که افغانستان می‌خواهد با تمامی کشورهای جهان ارتباط دوستانه داشته باشد و امیدوار اند که روسیه نیز این روابط را درک کند. نجیبه حسینی نایب‌منشی مجلس سنا می‌گوید: "دولت افغانستان هیچ فرقی میان طالبان و داعش نمی‌گذارد و هر دو گروه را تروریستی می‌داند و در برابر آنان مبارزه می‌کند و آرزومند است که روسیه نیز به چنین درکی رسیده باشد." خانم حسینی خاطر نشان کرد که تأمین امنیت نماینده‌گی‌های سیاسی از طریق ارتباط با یک گروه تروریستی و مخالف دولت رسمی خلاف قوانین بین‌المللی است و روسیه باید از دولت افغانستان بخواهد که نماینده‌گی‌های سیاسی‌اش را تأمین امنیت کند نه یک گروهی که از سوی دولت افغانستان، تروریست خوانده شده است.

محمد علم ایزدیار دیگر عضو مجلس سنا نیز تأمین ارتباط روسیه با طالبان را به معنای حمایت سیاسی از این گروه خواند که با خواست مردم و دولت افغانستان مخالف است.

آقای ایزدیار خاطر نشان کرد: "هم اکنون طالبان و پاکستان منزوی شده اند و سخت در تلاش کسب حمایت‌های سیاسی می‌باشند؛ و برقراری ارتباط روسیه با طالبان تلاشی به‌منظور حمایت سیاسی از این گروه است که این ارتباط مخالف خواست مردم و دولت افغانستان می‌باشد."

سناتوران از سفیر روسیه در افغانستان خواستند که چالش‌ها و نگرانی‌هایش را در مورد فعالیت داعش در افغانستان از طریق دولت افغانستان، مطرح و پیگیری کند نه اینکه افغانستان را به میدان رقابت‌های استخباراتی خود با آمریکا تبدیل کند.

با وجود نگرانی‌های گسترده از ارتباط روسیه با طالبان، دولت مرکزی افغانستان تا هنوز در این مورد به شکل رسمی چیزی نگفته است.

در این حال، رابطه روسیه با گروه طالبان مجلس نمایندگان افغانستان را نگران ساخته و اعضای این مجلس خواهان مشخص شدن این موضوع شده‌اند.

زکریا سودا، یکی از نمایندگان گفت که وقتی روسیه به گونه مستقیم با گروه تروریستی بدون در نظر داشت حکومت افغانستان مداخله می‌کند، این مورد غیر قابل پذیرش است.

عبدالرحیم ایوبی، عضو دیگر مجلس نمایندگان رابطه روسیه و ایران را با طالبان بی‌شرمانه خوانده گفت که با پاکستان دعوا است که تروریستان را تریبه و وارد افغانستان می‌کند اما اکنون ایران و روسیه هم پذیرفتند که با طالبان رابطه دارند.

او گفت یک کمیسیون خاص باید ایجاد گردد و با رییس‌جمهور، شورای امنیت، نهادهای زیربند و سفارت روسیه در کابل در این مورد بحث کنند.

نعمت‌الله غفاری، معاون دوم مجلس می‌گوید: کمیسیون روابط بین‌المللی این موضوع را واضح و شفاف ساخته گزارش آن را به جلسه عمومی بیاورند تا در موردش تصمیم گرفته شود.

هم‌چنان، ینس ستولتبرگ دبیر کل ناتو چندی پیش گفت که روسیه و ایران با ایجاد رابطه با طالبان در صدد آن هستند تا تلاش‌های حکومت افغانستان و ناتو را ناکام سازند.

آقای ستولتبرگ در جریان نشست وزیران خارجه ناتو در بروکسل اظهار داشت که کشورهایی که دست به مداخله در افغانستان می‌زنند از آن دست بکشند و این کشور را بیش‌تر به تهدید مواجه سازند.

پیش از این، قرارداد خریداری ۲۰ چرخبال روسی برای ارتش افغانستان میان آمریکا و روسیه به امضا رسیده بود؛ اما به تازه‌گی سنای آمریکا به وزارت دفاع این کشور پیشنهاد لغو این قرارداد را مطرح کرده و گفته است که باید چرخبال‌های آمریکایی برای ارتش افغانستان داده شود که این پیشنهاد از سوی وزارت دفاع آمریکا نیز پذیرفته شده است.

مقامات پاکستانی:

هیچ گروه تروریستی را در پاکستان نخواهیم گذاشت



چوهدری گفت که به مقامات افغانستان هشدار داده‌ایم که جنگ شما با طالبان و شبکه حقانی مشکل داخلی شماست و ما اجازه نخواهیم داد مشکل داخلی شما گریبان ما را بگیرد. اتهام به پاکستان، در اصل فریب مردم افغانستان است. معاون وزارت خارجه پاکستان اظهار داشت که از مقامات افغانستان می‌خواهیم که تبدیل به زبان هند نشوند، زیرا این کار باعث عمیق شدن دشمنی‌ها می‌شود.

افغانستان، درهای پاکستان بروی شما بسته خواهد شد. معاون وزارت خارجه پاکستان تصریح کرد که به حل سیاسی بحران افغانستان از طریق غیرنظامی معتقدیم بنابراین به دولت افغانستان پیام دادیم و از آنها دعوت کردیم تا با «طالبان و شبکه حقانی» مذاکره کند. وی تأکید کرد که این اظهارات که پاکستان عامل بی‌ثباتی‌های افغانستان است، تهمت بی اساس و غیرمنصفانه است.

مشاور ویژه نخست‌وزیر پاکستان در امور خارجی گفت، اسلام‌آباد در حال تلاش برای برگزاری گفت‌وگوهای صلح با افغانستان است.

سرتاج عزیز، مشاور ویژه نخست‌وزیر پاکستان در مصاحبه با پایگاه خبری نیشن گفت: نامیدکننده است که برخی عناصر در داخل افغانستان تمایلی ندارند که روند گفت‌وگوهای صلح با پاکستان آغاز شود. این عناصر در حال ایجاد شائبه بر سر نقش پاکستان در روابط طالبان-افغانستان هستند. مذاکرات میان طالبان و دولت کابل به دلیل اقدامات امنیت ملی افغانستان متوقف شد.

مشاور ویژه نواز شریف در امور خارجی تأکید کرد: پس از مرگ جانشین ملا عمر در حمله پهبادی آمریکا، درهای گفت‌وگوهای دوجانبه بیشتر بسته شد. پاکستان برای برگزاری روند گفت‌وگوها تلاش می‌کند اما اظهارات محکوم‌کننده از سوی سیاستمداران افغانستان علیه پاکستان تأثیری منفی می‌گذارد. شرایط در افغانستان سال ۲۰۱۴ پس از خروج گسترده نیروهای بین‌المللی و افزایش عملیات‌های گروه‌های مسلح وخیم شد. ظاهراً پس از افزایش خشونت‌های داخلی، نارضایتی هم در افغانستان بیشتر شد.

این مقام پاکستان، ادعای برخی از رهبران افغانستان مبنی بر اینکه اسلام‌آباد از مرگ ملا عمر مطلع بوده اما اطلاعاتی در این باره به کابل نداده بود، رد کرد. سرتاج عزیز در حالی از تلاش برای گفت‌وگوهای صلح افغانستان سخن می‌زند که کابل دیگر اعتمادی به اسلام‌آباد ندارد.

مقامات پاکستانی بارها از کشاندن پای طالبان به مذاکرات صلح سخن زده‌اند؛ اما هر بار با این پروسه بازی کرده اند و بیشتر در هنگام زمستان که جنگها به دلیل سردی هوا فروکش می‌کند، مذاکرات صلح علم می‌شود.

اتحاد هند و افغانستان برای دشمنی با پاکستان به ضرر کل منطقه است

در همین حال، معاون وزارت خارجه پاکستان با تأکید بر علاقمندی این کشور به صلح افغانستان، اعلام کرد که اتحاد هند و افغانستان با هدف دشمنی، ضررهای جبران ناپذیری برای منطقه و آنها خواهد داشت.

اعزاز چوهدری معاون وزارت خارجه پاکستان اعلام کرد که صلح در افغانستان آرزوی دولت اسلام‌آباد است اما اتحاد دهلی‌نو و کابل برای دشمنی با پاکستان به ضرر منطقه و خود آنها خواهد شد.

وی افزود: اعضای شبکه حقانی در افغانستان بسر می‌برند اما تعدادی از این گروه در پاکستان نیز حضور دارد اما اسلام‌آباد در مبارزه با این گروه جدی است و به زودی هیچ گروه تروریستی در پاکستان باقی نخواهد ماند.

چوهدری اظهار داشت که به این گروه‌ها به صورت شفاف پیام دادیم که در صورت ادامه ایجاد نا امنی در



کنند و نامزدان محترم با آن توافق کنند که متأسفانه نکردند و در نهایت، کشور به بحران رفت و آقای جان‌کری نیز به خاطر مهار بحران، نسخه حکومت وحدت ملی را پیش کشید که متأسفانه بازهم عملی نشد. یعنی توافق‌نامه در طول دو سال تطبیق نشد و عمداً تطبیق نشد. یعنی تعدادی خواستند نظام فسادپرور و بحران‌زای فعلی ادامه پیدا کند. آن‌ها توافق‌نامه را دور زدند و این‌گونه مشروعیت دولت زیر سوال رفت. بنابراین اکنون برای بیرون‌رفت از بن‌بست و ایجاد سیستم جدید، فضای جدید، اعتماد جدید و دولت جدید و امیدواری جدید به مردم، برگزاری لویه‌جرگه حتمی است.

مکانیسم عملی کردن توافق‌نامه سیاسی، آوردن لویه‌جرگه تعدیل قانون اساسی است. این لویه‌جرگه را باید دولت برگزار کند؛ اما اگر دولت برگزار نمی‌کند، باید نیروهای سیاسی بیرون از دولت یک اجماع مشروعیت بخش ایجاد کنند و لویه‌جرگه تعدیل قانون اساسی را فرا بخوانند. لویه‌جرگه‌ها در افغانستان همواره از سوی حکومت‌ها خواسته نشده‌اند، بلکه نیروهای بیرون از دولت توانسته‌اند لویه‌جرگه را برگزار کنند. پس باید نیروهای سیاسی بین خود یک اجماع ایجاد کنند و به دولت بگویند که یا خودت لویه‌جرگه را برگزار کن و سیستم را تغییر بده، و یا این‌که ما خودمان لویه‌جرگه توافق‌نامه سیاسی را برگزار می‌کنیم.

اگر همین حکومت که مشروعیت سیاسی‌اش زیر سوال است و محبوبیت ندارد، تا انتخابات بعدی ادامه پیدا کند، انتخابات آینده چه خواهد شد و کسانی که قدرت را در اختیار دارند و کمیسیون‌های انتخاباتی تحت کنترل‌شان است، با انتخابات چه خواهند کرد...؟ مسلماً اگر این دولت ادامه پیدا کند و مسوولیت انتخابات بعدی را داشته باشد، بحران افغانستان چندلایه خواهد شد. از این‌رو می‌گوییم که یک اجماع مشروعیت‌بخش میان نیروهای سیاسی باید ایجاد شود و در صورتی که حکومت لویه‌جرگه را برگزار نکند، این اجماع لویه‌جرگه را برای تعدیل قانون اساسی فرا بخواند.

استراتژی ما

چندین سال است که ما طرح آجندای ملی را پیشنهاد کرده‌ایم. تمام تعریف آجندای ملی این بوده که چطور می‌توانیم افغانستان را از مرحله حساس بحران و آزمون، به مرحله ثبات و کامیابی موفقانه گذر دهیم. بنابراین زمانی که انتخابات نزدیک شد، ما دولت وحدت ملی را به همه نامزدان و جریان‌های سیاسی نقش‌آفرین پیشنهاد کردیم. دولت وحدت ملی را به این خاطر پیشنهاد کردیم که می‌دانستیم در افغانستان بافت‌های اجتماعی قسمی است، دموکراسی ما قسمی است و کمیسیون‌های انتخاباتی ما از جریان‌های قومی و سیاسی مختلف تشکیل یافته است. بنابراین ما پیشنهاد کردیم که نامزدان

پیشاپیش روی چهارچوب دولت وحدت ملی توافق کنند، بعد هر کدام برنده شد، این چهارچوب را به نام دولت وحدت ملی پیاده کند تا این‌گونه هم دموکراسی، هم انتخابات و هم دولت وحدت ملی موفق شود. اما متأسفانه این پیشنهاد را قبول نکردند و بعدتر با بروز جدال‌های بحران‌زا، جان‌کری به میدان آمد.

بحرانی که امروز شاهدش هستیم، از عدم تطبیق توافق‌نامه تشکیل دولت وحدت ملی به شکل واقعی و مطابق تعریف دولت وحدت ملی، ناشی شده است. مسلماً دولت وحدت ملی چیز بدی نیست؛ اما رهبری و مدیریت سوء، این دولت را بد جلوه داده است. بنابراین، ما می‌خواهیم نظریات نیک شما جوانان را پیرامون آن‌چه گفته شد، جویند شویم و آن‌ها را به جلسه‌ی بزرگ‌تر انتقال دهیم و در آن‌جا از چهره‌های مطرح دعوت کنیم و یک فراخوان بدهیم و حاصل سخنان‌مان را با مردم افغانستان شریک بسازیم.

مسلماً سهم‌گیری شما جوانان در این پروسه بسیار مهم است؛ زیرا امروز و فردای افغانستان به شما تعلق دارد. شما نسل جوان افغانستان می‌توانید دیوارهای قومی را بشکنید تا مشکلاتی را که ما تجربه کردیم، شماها نداشته باشید. می‌توانید بین خود به یک توافق برسید و یک دیدگاه ملی ایجاد کنید. شماها این توانایی را دارید و باید به نیروی آگاهی و اندیشه در این راه پیش قدم شوید.

کنفرانس آجندای ملی با حوصله‌مندی، بحث‌ها و پیشنهادهای شما برای بیرون‌رفت افغانستان از بحران را می‌شنوند و به نتیجه‌گیری و دریافت راه‌کاری جامع‌تر دست می‌یازد و آن را به چاپ رسانده و در چهارچوب یک فراخوان و ميثاق ملی به مردم افغانستان ارایه می‌کند.

مشورتی جوانان و آجندای ملی

صدر اعظم

و کابینه قانونی

داشته باشیم؛ اما از آن‌جا

که در کشورهای بحران‌زده

نمی‌توان یک‌شنبه به زعیم ملی دست

پیدا کرد، باید تیم زعامت ملی ایجاد شود تا

آن‌ها کشور را از بحران بیرون بکشند.

مسئله آخر، سوءمدیریت در حکومت است؛ به این معنا که رهبری سالم برای پاسخ‌گویی به مشکلات وجود ندارد.

راه بیرون‌رفت

برای رسیدن به ثبات سیاسی و صلح پایدار، افغانستان به تعادل ضرورت دارد؛ تعادل خارجی و تعادل داخلی. تعادل داخلی به این معنا که قدرت میان اقوام افغانستان عادلانه تقسیم شده باشد و همه خود را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی شریک بدانند. تعادل خارجی نیز به این معنا که کشورهایی که در محور افغانستان جمع شده‌اند و منافع کلان دارند، توافق کنند که افغانستان را کمک می‌کنند، آن را میدان رقابت نمی‌سازند و مردم افغانستان قربانی نمی‌شوند. اما متأسفانه ما هر دو تعادل را برای رسیدن به ثبات نداریم. نماینده خاص رئیس‌جمهور می‌گوید تعادل نیست، معاون اول رئیس‌جمهور می‌گوید تعادل نیست، رئیس اجرایی می‌گوید تعادل نیست، وزیر خارجه می‌گوید تعادل نیست، و در نهایت نصف حکومت می‌گوید که تعادل نیست. بنابراین، یگانه راه‌حل، تطبیق توافق‌نامه‌ی است که بر اساس آن، حکومت وحدت ملی تشکیل یافته.

متأسفانه قبل از این‌که دولت وحدت ملی تشکیل شود، این نام (دولت وحدت ملی) بدنام شد، یعنی متکران و اندیشه‌ورزانی که با ما یک‌جا در چهارچوب آجندای ملی کار کردند، می‌خواستند این حکومت تعریف شده را با مولفه‌های آن و به شکل بومی به افغانستان معرفی

قرار دارد. در حقیقت، مسوولان حکومتی اعتراف می‌کنند که توافق‌نامه سیاسی عملی نشده و نمی‌شود. این یعنی مواردی را که ما (تیم آجندای ملی) پیش‌بینی کرده بودیم، درست بوده و تحقق پیدا کرده است. این دولت از ابتدا مشروعیت قانونی نداشت اما اکنون مشروعیت مردمی را هم از دست داده، مشروعیت خدمت‌گزاری به مردم را هم کسب نکرده و مشروعیت دولتی را هم فعلاً ندارد و تنها مشروعیت نیم‌بند خارجی باقی است؛ اما این نوع مشروعیت، هرگز درد مردم را دوا نمی‌کند.

دولت‌ها باید مشکلات را حل کنند، اما در افغانستان خود دولت به یک مشکل تبدیل شده و به بن‌بست رسیده؛ یعنی دولت به جای این‌که مشکل مردم را حل کند، خود به یک مشکل جدی بدل شده. با این حساب، ریشه مشکل در خود دولت است. مشکل اصلی در چند مورد است:

اول این‌که دولت‌مردان از ذهنیت سنتی بیرون نشده‌اند. من همیشه گفته‌ام که یکی از مشکلات کلان افغانستان، رجعت به گذشته و پیشتازی به آینده است. کسانی هستند که تلاش می‌کنند افغانستان را به گذشته ببرند، اما جوانان کوشش می‌کنند که افغانستان را به آینده ببرند.

مشکل دوم، تاریک‌اندیشی، ندانم‌کاری، تبارگرایی و قوم‌گرایی دولت‌مردان است که برای افغانستان مشکل خلق کرده و باعث شده ساختارهای فعلی نظام با بافت اجتماعی و تنوع قومی کشور موافقت و مطابقت نداشته باشد.

مشکل سوم این‌که سیاست ملی وجود ندارد، انحصارگرایی و تمرکزگرایی بیداد می‌کند، آجنداهای شخصی به جای سیاست ملی تعقیب می‌شوند، زعامت ملی وجود ندارد، توافق با نخبه‌گان وجود ندارد و فردمحوری و تمامیت‌خواهی در اوج قرار گرفته‌اند. اگر زعیم ملی وجود داشته باشد، ما می‌توانیم رئیس‌جمهور،

بخش نخست

ترتیب‌کننده: ناحیه نوری

یادداشت: کنفرانس «آجندای ملی» به رهبری احمدولی مسعود، سال‌هاست که به آدرسی برای رای‌زنی و چاره‌اندیشی میان نخبه‌گان و بزرگان کشور برای بیرون‌رفت افغانستان از نزاع‌ها و ناکامی‌های تاریخی تبدیل شده است. اما این آدرس مدنی اخیراً در ابتکاری تازه‌تر، دست به برگزاری سلسله‌نشست‌های مشورتی ماهوار و هفته‌وار با جوانان فعال و آگاه کشور برای بررسی اوضاع نگران‌کننده افغانستان و دریافت راه‌حل‌های علمی‌تر و به‌روزتر در سایه اهداف عالی آجندای ملی زده است. روزنامه ماندگار به حمایت از این فعالیت‌های ارزنده، این بخش از این صفحه خویش را به بازتاب چکیده گفته‌های جاری در این نشست‌ها اختصاص داده است. پس با ما همراه و همسفر باشید.



احمدولی مسعود:

ما بارها تأکید کردیم که مشروعیت سیاسی دولت زیرسوال است و بیش از این نمی‌تواند کارایی داشته باشد. اکنون فریاد مسوولین حکومتی بلند شده و همه می‌گویند که مشروعیت سیاسی حکومت زیر سوال

از میان مفاهیم گوناگون مطرح شده در ادبیات، بی‌گمان مضمون «عشق» یکی از جذاب‌ترین و در عین حال چالش‌برانگیزترین موضوعاتی است که در اشکال مختلف به آن پرداخته شده است. زیرا عشق، زبانی، جهانی و فرازمانی دارد. عشق کلیدی‌ترین و کاربردی‌ترین کلمه در دیوان حافظ است. قفل فروبسته بسیاری از معانی و مفاهیم دیوان حافظ را تنها با کلید سه‌دندانه عشق می‌توان گشود؛ عشق این ماندگارترین و دل‌نوازترین صدا در همه اعصار در زیر این گنبد دوار. از صدای سخن عشق ندیدم خوش‌تر یادگاری که در این گنبد دوار بماند عشق به تعبیر حافظ، مینا و انگیزه آفرینش بوده است:

در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد
عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد.
عشق‌ها و اشتیاق‌هایی که در زندگی واقعی گوته - شاعر و متفکر آلمانی - وجود داشته، تأثیری مستقیم در آثارش به‌جا گذاشته است. به طوری که یکی از مفاهیم کلیدی دیوان «غربی شرقی» گوته «عشق» است: فصل حقیقی عشق لحظه‌ی است که در ایام که تنها ماییم که عاشقم و کس دیگری چون ما عاشق نبوده است و هیچ کس دیگر نیز چون ما عاشق نخواهد بود.

اما عشق در نظر ونسان ونگوگ، نقاش بزرگ هلندی: «عشق جاودانه است، شاید شکل آن تغییر کند، اما جوهر یکی است. تفاوت بین عاشق و غیرعاشق، همان تفاوت بین چراغ روشن و خاموش است. چراغ آن‌جاست و به کار می‌آید، اما اکنون نور نیز می‌افشانند، و همین نورافشانی، کار حقیقی آن است. بهترین راه شناخت زندگی، بسیار عشق ورزیدن است.»

در تمام دنیا نیرویی برتر از نیروی عشق وجود ندارد. احساس عشق بالاترین حد فرکانسی است که می‌توانید به سوی کاینات بفرستید. اگر می‌توانستید هر فکری را در هاله‌ی از عشق ببینید، اگر می‌توانستید هر چیزی و هر کسی را دوست داشته باشید، زندگی شما دگرگون می‌شد. چنان‌چه در مورد هلن کلر این طور واقع شد:

«به عمق نومیدی رسیده بودم و تاریکی چتر خود را بر همه چیز کشیده بود که عشق از راه رسید و روح مرا رهایی بخشید. فرسوده بودم و خود را به دیوار زندانم می‌کوبیدم، حیاتم تهی از گذشته و عاری از آینده بود و مرگ موهبتی بود که مشتاقانه خواهانش بودم. اما کلامی کوچک از انگلستان دیگری، ریسمانی شد در دستانم، به آن ورطه پوچی پیوند خورد و قلبم با شور زندگی شعله‌ور شد. معنای تاریکی را نمی‌دانم، اما آموختم که چه‌گونه بر آن غلبه کنم.»

گویند عشق، آتشی است که در دل آدمی افروخته می‌شود و بر اثر افروخته‌گی آن، آن‌چه جز دوست است، سوخته می‌گردد و از طرفی می‌گویند عشق را باید تجربه کرد تا دریافت.

پرسید یکی که عاشقی چیست؟ گفتم که مپرس از این معانی آن‌که که چو من شوی بینی آن‌که که بخواندت بخوانی

اگرچه حل مشکل عشق، با اندیشه و دانش دشوار است، اما این دغدغه را در انسان پدید می‌آورد که اندیشه و دانش نیز در حل این مشکل می‌توانند نقش داشته باشند. مگر نه این است که این نکته در اسلام پیشینه‌ی دراز آهنگ دارد، که هرکس عشق ورزد و پاکدامنی جوید و راز خویش آشکار نکند و به زندگی بدرود گوید، شهید است و در روز بازپسین خداوند او را در سایه خویش پناه می‌دهد.

مولانا عشق را به دریای عدم تعبیر می‌کند

که عدم رمز نیستی و فناست.

پس چه باشد عشق دریای عدم

در شکسته عقل را آن‌جا قدم

یکی از بزرگ‌ترین خطوط اشتراک بین مولوی و تاگور، توجه به عشق است. و این‌که هر دو عشق را مغز کاینات می‌دانند. مولوی عشق را خمیرمایه هستی و دلیل حرکت عالم می‌داند. تاگور هم برپایی جهان، سرمایه هستی، دلیل بودن و راز بقا را عشق می‌شناسد. او معتقد است که همه جهان گذران است و همه چیز فرسوده می‌شود و تنها عشق جاودانه می‌ماند و همواره تازه است.

زبان هرکس گویای اندیشه‌ها، عقاید و بازنای احساسات اوست. چنان‌که عشقی که سعدی از آن سخن می‌گوید، ودیعه‌ی است ازلی،

اند.

جورج الیوت: نه تنها دوست دارم دوستم بدارند، بلکه دوست دارم بشنوم که دوستم دارند.

افلاطون: عشق، شادی خوبان، شگفتی عاقلان و حیرت خدایان است.

تولستوی: همه چیز و هر آن‌چه را که درک کردم، مدیون عشق ورزیدن یافتم.

امرسون: عشق سرانجام ادب است و بزرگواری.

سنت اگوستین: عشق زیبایی روح است.

لرد بایرون: عشق بارقه‌ی است از ملکوت، اخگری از آن آتش جاویدان.

عشق در نزد نزار قبانی دارای ویژه‌گی‌های خاصی است. در شعر نزار، «عشق به معشوق» برجسته‌تر است. مهم‌تر اینکه

بزرگ است و تنهایی من شیخون حجم تو را پیش‌بینی نمی‌کرد

و خاصیت عشق این است.

کلام آخر این‌که: قصه غریب و حدیث عجیب عشق، بسی گسترده‌تر از آن است که در مجالی اندک بتوان از آن سخن گفت و حق آن را ادا کرد.

منابع:

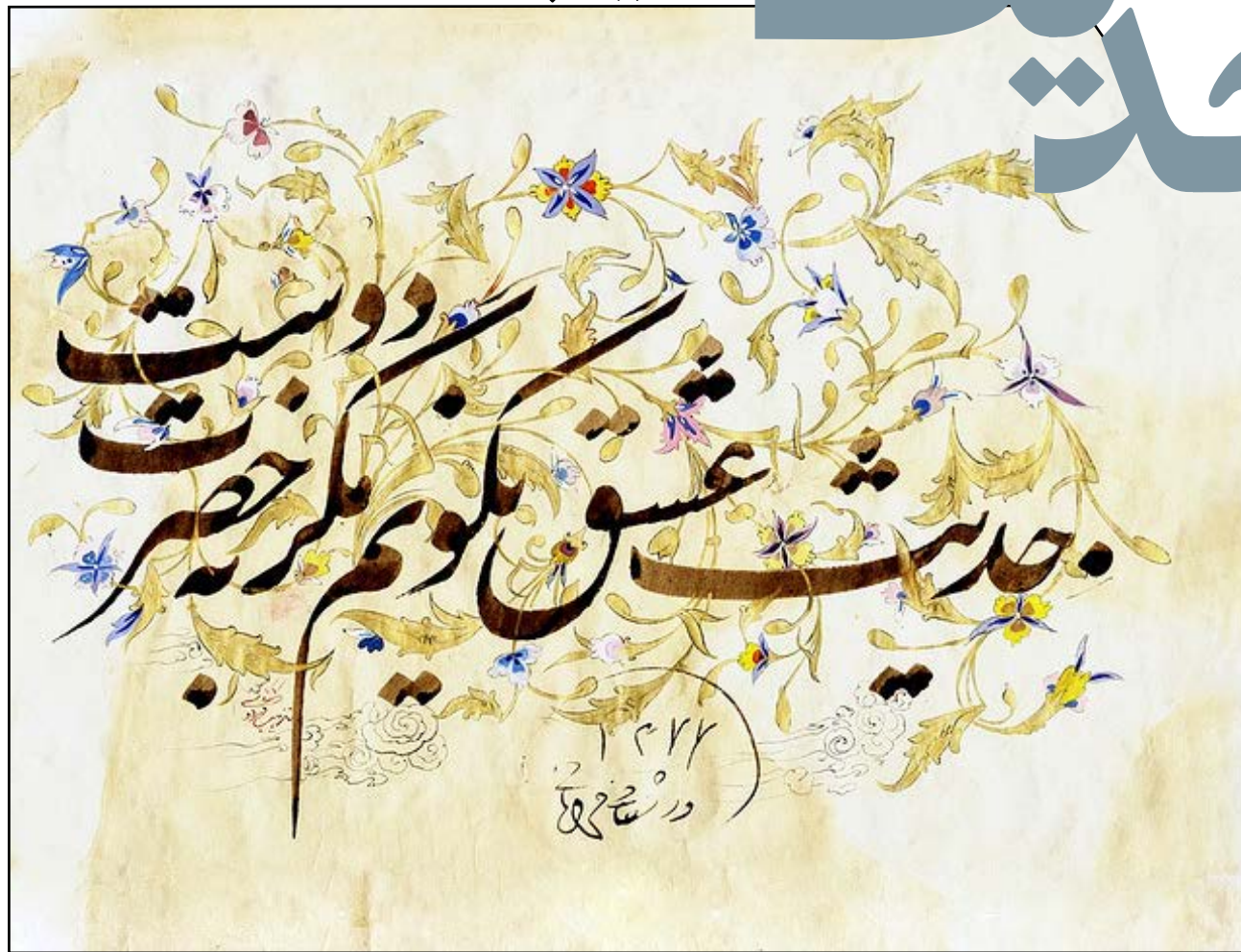
۱- بایرون، روندا. مترجم فتحعلی، عطا.

۲- پورمحمدی، ضیا. به سمت گل تنهایی، نیم‌نگاهی به اشعار سهراب سپهری. ادبیات معاصر، شماره چهارم، مرداد ۱۳۷۵.

۳- پولیس شوتز، سوزان، مترجم براتی، عبدالعلی. صدای سخن عشق. تهران: نسیم

حاشیه‌های عجیب و غریب عشق

ناهید زندی‌پژوه



زبان هرکس

گویای

اندیشه‌ها،

عقاید و بازنای

احساسات

اوست. چنان

که عشقی که

سعدی از آن

سخن می‌گوید،

ودیعه‌ی است

ازلی، جاودانه و

ساری در همه

پدیده‌ها و هنر

آن نیز درد و

الم و رنج است.

عشقی که سعدی

آشکارا از آن

سخن می‌گوید،

متضمن معانی

لطیف عرفانی

و اخلاقی است

و آن‌چه او را

از خود بی‌خود

می‌کند، نه

صورت که

صورت‌نگار است

مشاهیر جهان در مورد عشق، نظرهای مختلفی داشته‌اند: ویکتور هوگو: بگذار تا همیشه، حقیرترین غم‌ها، یا ناچیزترین شادی‌های خود را به‌هم بگوییم... این اعتمادها، این همدلی باشکوه، هر دو حق و وظیفه عشق

نزارقبانی شاعر شادی‌های عشق است. اما عشق در همه چیز صبر می‌کند و همه را باور می‌کند و در همه حال امیدوار است و همه چیز را تحمل می‌کند. چنان‌که سهراب سپهری، عشق را علت همه پدیده‌ها، همه بی‌خبری‌ها و آگاهی‌ها و سکوت‌ها، جدایی‌ها و زمزمه‌ها می‌داند و عاشق بودن برای زیستن را حتمی می‌داند، و گرنه زیستن حرام است. عشق، فاصله میان خدا و هستی است و شاید عشق دلیل هستی است و عشق منشأ صبر است و تنهایی. عشق موجودی است صبور که جز صبر چاره‌ی ندارد.

عاشق موجودی تنهاست که دست به دست تانیه‌ها روی نور می‌خوابد و عشق یک قدرت ماورایی است که همه چیز جز خدا، بدان منتهی می‌شود و زمان، لهجه‌ی از عشق است و بهترین چیز نگاهی است که از حادثه عشق برای انسان به ارمغان رسیده است. بیا تا برایت بگویم چه اندازه تنهایی من

دانش، ۱۳۸۶. ۴- حبیبی کاسب، سارا، ذات علیان، غلامرضا. عشق در رمان در جست‌وجوی زمان از دست رفته. مجله پژوهش زبان‌ها و ادبیات خارجی، شماره ۵۱، بهار ۱۳۸۸. ۵- حسین پور، علی. بررسی مقایسه‌ی مفهوم عشق در نگاه حافظ، گوته و پوشکین. ۶- رشیدی، خسرو، تحلیل محتوای مفهوم عشق در غزل سعدی. کتاب ماه ادبیات و فلسفه. ۷- شیری، قهرمان. تاریخی‌نگری و اعتدال‌گرایی در مکتب داستان‌نویسی خراسان. ۸- طاهری‌نیا، علی باقر؛ کولیوند، فاطمه؛ طهماسبی، زهرا. بررسی سیمیا‌لوزی مضمون عشق در اشعار نزار قبانی و حمید مصدق. ۹- مشهور، پروین‌دخت، مولوی و تاگور. نامه پارسی، شماره چهارم، زمستان ۱۳۷۹.

نزارقبانی شاعر شادی‌های عشق است. اما عشق در همه چیز صبر می‌کند و همه را باور می‌کند و در همه حال امیدوار است و همه چیز را تحمل می‌کند. چنان‌که سهراب سپهری، عشق را علت همه پدیده‌ها، همه بی‌خبری‌ها و آگاهی‌ها و سکوت‌ها، جدایی‌ها و زمزمه‌ها می‌داند و عاشق بودن برای زیستن را حتمی می‌داند، و گرنه زیستن حرام است. عشق، فاصله میان خدا و هستی است و شاید عشق دلیل هستی است و عشق منشأ صبر است و تنهایی. عشق موجودی است صبور که جز صبر چاره‌ی ندارد. عاشق موجودی تنهاست که دست به دست تانیه‌ها روی نور می‌خوابد و عشق یک قدرت ماورایی است که همه چیز جز خدا، بدان منتهی می‌شود و زمان، لهجه‌ی از عشق است و بهترین چیز نگاهی است که از حادثه عشق برای انسان به ارمغان رسیده است. بیا تا برایت بگویم چه اندازه تنهایی من

مرزبانان اجازة ورود به گلبدين ندادند



يوسف جان نثار

در اواخر سال ۱۳۷۵ و بعد از این که نیروهای دولتی از کابل عقب‌نشینی کردند، گلبدين حکمتيار مقام صدارت را به عهده داشت. او با نیروهای تحت فرمان امرصاحب، به دره پنجشير عقب‌نشینی کرد و از آنجا به هدایت امرصاحب توسط هلیکوپتر به تالقان رفت و از آنجا به کاندز سفر کرد و پس از مدت کوتاهی نیز از آنجا به کشور ایران رفت. او در مطبوعات آن کشور اعلان کرد که علت برگشتش به ایران، مسعود بوده که می‌خواسته وی را "ترور" کند. در شهر تالقان در مرکز اوپراسیون بودم که این گزارش را به امرصاحب دادند. او با شنیدن این خبر، چهره‌اش به یکباره گی تغییر کرد و پیشانی‌اش گرفت و چهره‌اش سرخ شد، پنجه‌های دستان خود را به هم گره زد و به پشت سرش قرار داد و به بالشت تکیه زد و پس از مکثی کوتاه، فقط یک جمله گفت: از گلبدين آدم چه باید انتظار داشت؟

دو سال بعد هنگامی که اوضاع امنیتی مزارشريف نسبتاً آرام بود، یعنی سال ۱۳۷۷، حکمتيار از کشور ایران دوباره به افغانستان برگشت و هزاران میل سلاح را خریداری و میان مجاهدین سابقه‌دارش در ولایت بلخ توزیع نمود. چند ماه از موجودیت گلبدين در مزار نگذشته بود که طالبان و پاکستانی‌ها از استقامت بالامرغاب به صوب مزارشريف حمله بردند. هنوز به جوجان نرسیده بودند که نیروهای تازه مسلح گلبدين در ولایت بلخ بیرق سفید طالبان را بر فراز آن شهر بالا کردند و شهر مزارشريف در محاصره‌ی تنگاتنگ قرار گرفت. این حرکت گلبدين باعث پراکنده‌گی نیروهای مقاومت شد و حتی به سقوط چند ولایت در شمال انجامید.

تعدادی از فرماندهان ارشد جبهه متحد، همین که می‌بینند مزار در معرض خطر قرار گرفته، از طریق راه حیرتان به ازبکستان فرار می‌کنند اما مرزبانان ازبکستانی، گلبدين را اجازة ورود به آن کشور نمی‌دهند. وی دوباره به شهر مزار برمی‌گردد تا چاره‌ی بجوید. به روایتی، وی همین که از مرز حیرتان به شهر مزار می‌رسد، مستقیم به قنصل‌گری کشور ایران رفته و از آن‌ها تقاضای پناهنده‌گی می‌کند تا از آن طریق دوباره برگردد به ایران. کارمندان قنصل‌گری به حکمتيار می‌گویند: "آغای حکمتيار! شما که کشورتون رو ترک می‌کنید، پس ما چه باید کنیم؟"

عرضه برای گلبدين تنگ و تنگ‌تر می‌گردد. او که دیگر ناامید شده و راهی برای فرار ندارد، خبر می‌شود که استاد ربانی در میدان هوایی مزارشريف است و از آنجا می‌خواهد به تالقان برگردد. به ناچار از استاد ربانی تقاضای کمک می‌کند، تقاضایش از طرف استاد پذیرفته می‌شود و حکمتيار برای بار دوم به شهر تالقان برمی‌گردد.

تعدادی از خبرنگاران نیز از شبکه‌های داخلی و خارجی آنجا جمع شده بودند تا با حکمتيار درباره برگشت دوباره‌اش به این شهر مصاحبه کنند. من نیز با آن‌ها بودم. ساعت ۴ بعد از ظهر بود که امرصاحب با تعدادی از فرماندهانش وارد دفتر نماینده‌گی ریاست‌جمهوری شدند تا با استاد دیدار کنند. امرصاحب را در دهلیز دیدم، با کسی مصروف گپ زدن بود و چهره‌اش بسیار گرفته به نظر می‌خورد. گلبدين با جمعی برای ادای نماز عصر آماده‌گی می‌گرفت. جای‌نمازها را در دهلیز هموار نمودند. امرصاحب در صف آخر قرار گرفت. همین که متوجه شد حکمتيار بیرون رفت و در بیرون از دهلیز خود را با یک نفر مصروف ساخت. کسی از داخل صف نمازگزاران صدا زد که منتظر باشید استاد نیز می‌آید. بعد از چند دقیقه محدودی، استاد از دفترش بیرون شد و جماعت را امامت کرد. امرصاحب از من پرسید چه کسی جماعت می‌دهد. همین که برایش گفتم استاد ربانی است، دوباره در صف جماعت قرار گرفت و نماز را به امامت استاد ربانی ادا کرد. بعد از نشست کوتاهی با استاد، آنجا را ترک نمود

بده. تو دیروز هم به این خانه آمده بودی، ما به تو جای دادیم، نان و نمک ما را خوردی و به وجه خوب از تو پذیرایی کردیم، اما وقتی به ایران رفتی، اعلان کردی که مسعود ترورت می‌کرد!» حکمتيار بسیار به مهربانی از وی خواست که داخل بیاید، اما وی به گپ‌هایش ادامه داد: «امروز هم به این خانه آمدمی، آیا فکر کردی که این خانه از کی است، این را می‌دانی؟» حکمتيار خاموش بود اما پیرمرد با این که عصایش را سخت به زمین می‌کوبید، ادامه داد: «این خانه، خانه احمدشاه مسعود است. به کدام چشم باز آمدمی؟ کمی شرم داشته باش و از خدا بترس. تو از جان این مردم بیچاره چی می‌خواهی؟ به لحاظ خدا بس کن، این قدر بی‌حیایی بس است، تو هیچ از خدا نمی‌ترسی؟» حکمتيار باز هم از پیرمرد خواهش کرد که داخل بیاید، اما پیرمرد خاموشانه نگاه‌هایش را به حکمتيار دوخته بود و تندتند نفس می‌کشید. او لحظه‌ی بعد دروازه را محکم زد و رفت. بعد گلبدين رویش را به ما کرد و گفت: "حالا آماده مصاحبه نیستم، فردا ساعت ده



قبل از ظهر با شما می‌بینم. خداحافظ." سپس از اتاق برآمد و مایان نیز آنجا را با دل ناخواسته ترک نمودیم. فردا ساعت ده صبح نیز جمع شدیم و گاردهای ریاست‌جمهوری را در جریان گذاشتیم تا موضوع را به جناب حکمتيار برسانند. آن‌ها به ما گفتند که استاد و حکمتيار یک ساعت قبل از این‌جا رفتند به طرف بدخشان. این باورناکردنی بود، او بطور می‌توانست این همه را منتظر بماند و خود فرار کند. از مرکز مخابره اطلاع گرفتم که او هنوز در میدان هوایی سرای‌سنگ منتظر پرواز است. به‌سرعت خود را رساندم آنجا، در کنار هواپیمای آن ۳۲ نظامی، حکمتيار و جنرال ضیاء را دیدم که با هم منتظر استند تا استاد ربانی تشریف بیاورد. من فقط از او چند تصویر گرفتم. در آخرین دقایق که از وی فلم‌برداری می‌کردم، جنرال ضیاء از وی سؤال کرد که بار چندم‌تان است که به این شهر سفر کرده‌اید. حکمتيار بازم دروغ گفت که بار اول است!

۱۳۸۶/۱۰/۱۵

کابل، پروان دوم

اشرف غني يو ځل بيا وسله‌وال مخالفين سولې ته را وبلل



افغانستان ولسمشر محمد اشرف غني يو ځل بيا د افغان حکومت پر وسله‌والو مخالفينو غږ وکړ چې د سولې بين افغاني خبرو ته په غاړې اېښودو سره د اسلام د ستر پیغمبر حضرت محمد مصطفی «ص» لاره تعقیب کړي.

ولسمشر غني دغه څرگندونې د یکشنبې په ورځ په ارگ کې د میلاد نبي یا د اسلام د ستر پیغمبر حضرت محمد مطفی «ص» د زېږون د ورځې په مناسبت په جوړې شوې غونډه کې وکړې.

ښاغلي غني دغه شان له دیني عالمانو وغوښتل چې سولې ته د هغه کسانو د رابللو په برخه کې همکاري وکړي کوم چې د افغانستان د دښمنانو له خوا غولول شوي دي. نوموړي زیاته کړه:

"زه په دې مبارکه ورځ يو ځل بيا ټول مخالفين بين افغاني مذاکراتو ته رابولم او دا ورته وایم چې خپل خیر یې، د ملت خیر او د مسلمانانو خیر په دې کې نه دی چې وطنونه مو کنډواله شي او خلک مو در په دره او نوروته محتاج شي، بلکې زموږ ټولو خیر د رسوالله مبارک د لارې یعنی د سولې د رحم او اخوت د لارې په پیروي کې دی."

دا لومړی ځل نه دی چې ارگ پر وسله‌والو مخالفینو د سولې د خبرو غږ کوي بلکې تر دې پخوا هم په اخترونو او یو شمېر نورو مناسبتې غونډو کې ولسمشر د افغان حکومت له وسله‌والو مخالفینو غوښتي چې د جگړې د دوام پر ځای د سولې خبرو ته غاړه کېږدي. ولسمشر غني په داسې حال کې پر وسله‌والو مخالفینو د سولې د بین افغاني خبرو غږ کوي چې د راپورونو له مخې وسله‌والو طالبانو په دې وروستیو کې له امریکې غوښتي چې له دوی سره د سولې مشروطو خبرو ته کېږي.

په ورته وخت کې د افغانستان د حج او اوقافو وزارت مسلکي مرستیال مولوي عبدالحکیم منیب له ولسمشر غني نه د سولې په برخه کې د ده له هڅو مننه وکړه او له هغه یې وغوښتل چې په دې برخه کې نوره قرباني هم ورکړي.

نوموړي زیاته کړه: "ښاغلی جمهور رئیس تاسې زموږ مشر یاسته! د سولې لپاره مو چې کومه لړۍ پیل کړې موږ یې ملاتړ کوو او موږ له تاسې هیله کوو چې په دې لاره کې نور جرأت هم وکوئ، قرباني هم ورکړئ، موږ درسره یو چې خدای مو یوې دایمي سولې ته ورسوي."

افغان حکومت په داسې حال کې پر وسله‌والو مخالفینو د سولې غږ کوي چې شاوخوا درې میاشتې مخکې د افغان حکومت او د گلبدين حکمتيار په مشرۍ د حزب اسلامي ډلې تر منځ د سولې تفاهم لیک لاسلیک شو.

فیسبوک نامه

احمد ذکی خاورنیا



پارسول الله! توجه گفتی و ما چه کردیم؟

ای سرچشمه نور و روشنایی! ای سرور کائنات و فخر موجودات! ای پیامبری که با تولدت کاخ‌های ظلم و ستم فرو ریخت و دنیای پُر از ظلم و بیادگیری با مقدمت منور شد. ای کسی که به عاشقانت معنی عشق و محبت را آموختی! من به عنوان کسی که خود را در ردیف پیروانت جا می‌زنم. تولدت را به همه امت اسلامی از صمیم قلب تبریک و تهنیت عرض می‌دارم و امیدوارم که این محبت ناچیز من سبب رستگاریم در دنیا و عقباً گردد.

پارسول الله! تو از نخستین روزهای دعوت و تا پایان عمرت همواره برای سعادت و نیکبختی ما کار کردی و زحمت کشیدی و راه‌های سعادت را برای ما نشان دادی و به عنوان توصیه برای ما گفتی: "پس از من کافر نشوید، طوری که یک‌دیگر را به قتل برسانید" اما امروز ما از تعالیمت فرسنگ‌ها فاصله گرفته‌ایم و دیگر از آن عشق و محبت و صمیمیتی که تو از ما خواستی، خبری نیست. جای محبت تو و تعالیمت را محبت دنیا و عشق به آن پُر کرده است. و جای عشق و محبت به امت را عشق به امریکایی و اروپایی گرفته است. عشق به تو که محور وحدت و یکپارچگی ما بود، امروز در میان ما دیده نمی‌شود. کسی به نام صوفی به تو تهمت می‌بندد و کسی به نام سلفی از شأن و منزلتت می‌کاهد و کسی به نام روشن فکر تو را با شخصیت‌های ملحد اروپایی و امریکایی مقایسه می‌کند. و از چیزی که خوف و هراس داشتی که اختلاف و نفاق و پراکنده‌گی میان امت بود، امروز دامن‌گیرش گردیده است و یکی دیگری را به نام تو و خدایت بسان گوسفند ذبح می‌کنند.

نمی‌دانم با این همه سرکشی‌ها و نامردی‌ها به نام تو و آئینت سزاوار شفاعت تو خواهیم بود؟ اما یگانه چیزی که دلم را قوت می‌بخشد و به امیدواریم می‌افزاید، این است که تو مانند ما نامرد نیستی و یقیناً برای نجات ما طوری که در دنیا تلاش کردی، در عقباً نیز دست‌مان را خواهی گرفت. به امید دیدارت.

عبدالوهاب عمار



قهرمان ملی کشور

کسی که در سنگین‌ترین شرایط نُه بار حملات یک امپراتوری را به دره پنجمشیر، دفع کرد.

کسی که در برابر تروریسم بین‌المللی پنج‌سال نیروهای مقاومت ملی دولت اسلامی را به رهبری شهید استاد ربانی، فرماندهی کرد.

کسی که در سفرش به اروپا با هیچ متاعی تطمیع نشد. (تا ترورش شد). کسی که پیش از بُن اول شریطی را که ما اکنون در آن قرار داریم، نپذیرفت. (تا شهید شد).

کسی که در باره‌اش اگر سرسری بشماریم، حداقل بیش از یکصد کتاب نوشته شده است.

کسی که برای صلح آماده شد از پُست وزارت دفاع کنار برود، درحالی که امروزه تبدیل کردن یک مدیر عادی گاهی از توان یک وزیر بالا است.

بلاخره کسی که اگر شعرهایی که درباره‌اش سروده شده گردآوری شوند، چندین دیوان خواهد شد. و...

او یک مسلمان ملتزم مبارز آزادی‌خواه و یک مجاهد استقلال‌طلب بود که برای ارزش‌های دینی و ملی‌اش سرش را -که همیشه در کفش بود- به پیشگاه خدا به قربانی برد. به سخن دیگر او قربانی، ایمان‌داری، تعهد، استقلال‌خواهی و آزاده‌گی خود و خط فکری‌اش شد و چه افتخاری بهتر از این؟! یادش گرامی و بهشت برین جایش باد...

یعقوب بیستا



افغانیت و دانایی رنسانسی

انسان همیشه در پی بزرگنمایی خویش بوده؛ این بزرگنمایی‌ها را با فرافکنی‌های موهوم دانایی در زبان از خویشتن ارایه کرده‌است که در نتیجه، به دانایی موهوم میتافزیک انسان از خودش و جهان انجامیده است. انسان (هنگامه انسانی) روایت میتافزیک را از زمان‌های دور طراحی کرده تا روزگار رنسانس (چهارمی هم نداشته جز ارایه روایت میتافزیک)، و با روایت‌های خاص خودشان از خود و جهان، شده نوعی از انسان/موجود میتافزیک که با نوع دیگر انسان میتافزیک، تفاوت می‌کرده است، هر روایت، به گروه انسانی درون روایت، امکان کاذب معرفتی می‌بخشیده که انسان فقط همین گروه است، گروه‌های دیگر دیو و دداند، باید ناپود شوند؛ بعد از رنسانس است که تمامی تلاش علم و فلسفه برای این بوده تا از این روایت بزرگنمایی (میتافزیک) انسان، روشنگری ارایه کند.

تصورم این است، شاید انسان همیشه درگیر اساطیر و روایت‌های میتافزیک باشد؛ اما اگر درگیری ما با اساطیر و میتافزیک، درگیری روشن‌گرانه از تکوین و چگونه‌گی به وجود آمدن روایت‌های اساطیری و میتافزیک باشد، خوب؛ اگر درگیری ما با روایت‌های میتافزیک، درگیری اعتقادی باشد و با این درگیری خویش بخواهیم اسطوره‌ها و روایت‌های میتافزیک را به اقتدار برسانیم؛ آن‌گاه، شرایط زنده‌گی می‌شود شرایط زنده‌گی افغانیت که ما دچارش هستیم؛ ما ملت فاقد دانایی‌های عقلانی و فلسفی رنسانسی هستیم؛ از نظر امکان‌های مادی (آسایش، بهداشت و امنیت و بیمه زنده‌گی مالی و بهداشتی) و دانایی (علم، دانش، فلسفه، تخنیک و تکنالوژی) هیچی نیستیم؛ اما از نظر دانایی موهوم میتافزیک افغانیت خویش، بزرگنماتر از همه انسان‌ها و ملت‌های جهان‌ایم؛ این‌گونه فرافکنی کاذبانه از خویشتن، وحشتناک است. انسان آن‌گونه خودبزرگ‌بینی‌بی که از خودش دارد، ساخته/پرداخته زبان‌اش است؛ جهان، هیچ اطلاعی از چنین موجود بزرگ ندارد و بزرگی‌اش را نسبت به موجودات دیگر به رسمیت هم نمی‌شناسد؛ شاید نه کوچک‌ایم و نه بزرگ؛ موجودی هستیم با روایت خاص خودمان؛ تنها مهم‌بودن ما شاید در این باشد که بتوانیم درباره روایت خویش از خود و جهان بیندیشم و اقتدار این روایت را دچار چالش کنیم و توانایی تجدیدنظر را در روایت‌های ما از خود ما و جهان داشته باشیم؛ در گفت‌وگویی با انسان و جهان به سر ببریم که نگذارد، به پیش داورهای ما اعتقاد پیدا کنیم و فقط معیار ارزش/ناارزش، پیش داور خود ما باشد.

امریکا در صدد مذاکرات مشترک با ترکیه و کردهای سوریه است

ایتلاف تحت رهبری امریکا اعلام کرد که زمینه را برای مذاکره با ترکیه و نیروهای "سوریه دموکرات" با هدف کاهش تنش‌ها میان دو طرف هموار می‌سازد.

سرهنگ جان دوریان، سخنگوی ایتلاف ضد داعش در جریان کنفرانسی ویدیویی از بغداد به خبرنگاران گفت: در هفته جاری ما مذاکرات با ترکیه، نیروهای سوریه دموکرات و دیگر شرکای ایتلافی را به منظور کاهش تنش‌ها در این منطقه هموار می‌کنیم. هر یک از طرفین این مذاکره منفعت زیادی در یک هدف مشترک یعنی شکست داعش دارد.

نیروهای سوریه دموکرات متشکل از یگان‌های مدافع خلق کرد سوریه که شاخه نظامی حزب اتحاد دموکراتیک کردهای سوریه است، محسوب می‌شود.

ترکیه یگان‌های مدافع خلق و حزب اتحاد دموکراتیک کردهای سوریه را شاخه‌های حزب کارگران کردستان ترکیه موسوم به (پ.ک.ک) می‌داند که به همراه امریکا و اتحادیه اروپا آن را به عنوان یک سازمان تروریستی ثبت کرده است.

با این حال، امریکا یگان‌های مدافع خلق و حزب اتحاد دموکراتیک کردهای سوریه یا نیروهای سوریه دموکرات را که مرکب از نیروهای کرد و شبه نظامیان عرب هستند، به عنوان سازمان‌های تروریستی نمی‌داند. واشنگتن به شدت بر این گروه‌ها برای عقب راندن داعش از سوریه تکیه کرده است. دوریان افزود: این نشست‌ها نقطه آغاز در رسیده‌گی به یک وضعیت چالش‌انگیز است.

خلوصی آکار و جوزف دانفورد، روسای ستاد مشترک ارتش‌های ترکیه و امریکا طرف کمتر از یک ماه دو بار با یک‌دیگر دیدار کرده‌اند.

نیروهای سوریه دموکرات در حال حاضر کمپینی را برای بیرون راندن داعش از رقه به راه انداختند که یکی از اهداف اصلی ایتلاف ضد داعش تحت رهبری امریکا نیز محسوب می‌شود.

سرهنگ دوریان گفت: ایتلاف ضد داعش تنها در ماه گذشته به منظور حمایت از نیروهای زمینی نزدیک به ۳۰۰ حمله هوایی انجام داده است. مناطق آزاد شده در شمال سوریه هزاران غیرنظامی را از چنگال داعش آزاد کرده و بسیاری از آوارگان به سمت منبج در حرکت هستند.

قاهره:

اختلافی با عربستان نداریم

سامح شکر، وزیر خارجه مصر در همایش گفت‌وگوی منامه برای امنیت خاورمیانه که در بحرین برگزار شد، با تکذیب برخی گزارش‌ها دال بر وجود اختلافات میان قاهره و ریاض پس از آن‌که مصر حمایت خود را از دخالت مسکو در سوریه اعلام کرد، از روابط ممتاز موجود میان دو کشور مصر و عربستان ستایش کرد.

شکر اظهار داشت: از نظر ما تصویر کاملاً روشنی از ماهیت روابط دو کشور مصر و عربستان وجود دارد و امنیت ملی کشورهای عربی بر اصل ارتباط و تفاهم میان دو کشور استوار است.

شکر گفت: حساسیت در مورد آنچه برخی آن را اختلاف نظر می‌دانند توسط رسانه‌ها و مطبوعات بیشتر شده و ابعادی یافته که روابط ممتاز و تاریخی میان دو کشور را به خطر انداخته است.

مصر ماه اکتبر در سازمان ملل به قطعنامه‌یی در حمایت از اقدامات روسیه در سوریه رأی داد. این قطع‌نامه با مخالفت شدید ریاض مواجه شد. به دنبال آن، عربستان ماه گذشته میلادی به مصر ابلاغ کرد که ارسال فرآورده‌های نفتی را تا اطلاع ثانوی به تأخیر می‌اندازد.

اخیراً نیز رییس‌جمهور مصر که به امارات سفر کرده بود، این کشور را ساعتی پیش از ورود پادشاه عربستان بدون هیچ‌گونه دیدار با او ترک کرد.

اما شکر وجود اختلافات میان دو کشور را تکذیب کرده و گفت: در مورد هرگونه اختلافی میان دو کشور بزرگ‌نمایی شده است.

سانتوس:

کلمبایی‌ها غیر ممکن را ممکن کردند

رییس‌جمهوری کلمبیا در جریان مراسمی که در اسلوی ناروی برگزار شد، جایزه صلح نوبل را که پیش‌تر به او تعلق گرفته بود، دریافت کرد. خوان مانوئل سانتوس، رییس‌جمهوری کلمبیا به خاطر تلاش‌هایش برای پایان دادن به جنگ داخلی در کشورش که بیش از ۵۰ سال به طول انجامیده است، جایزه صلح نوبل را دریافت کرد.

سانتوس در مراسمی که در اسلو برگزار شد، مدال و جایزه هشت میلیون کرون خود را تحویل گرفت. رییس‌جمهوری کلمبیا در جریان این مراسم اظهار کرد: مردم کلمبیا امری غیر ممکن را به امری ممکن تبدیل کرده‌اند.

او تصریح کرد: شش سال پیش برای ما کلمبایی‌ها سخت بود تصور کنیم که جنگی که حدود نیم قرن به طول انجامیده است، به پایان برسد. برای اکثر ما کلمبایی‌ها تحقق صلح رؤیایی غیر ممکن بود. سانتوس خاطرنشان کرد: امروز پس از شش سال مذاکره سخت، فشرده و جدی، من در مقابل شما و جهان ایستاده‌ام و اعلام می‌کنم که مردم کلمبیا با کمک دوستان ما در سراسر جهان توانسته‌اند آنچه را که پیش‌تر غیرممکن بود، تبدیل به امری ممکن سازند.

شاهین آسمایی در رقابت‌های AFC کاپ شرکت می‌کند



فدراسیون فوتبال کشور اعلام کرده است که تیم فوتبال شاهین آسمایی قهرمان فصل پنجم رقابت‌های لیگ برتر فوتبال افغانستان برای نخستین بار در مرحله پلی آف صعود به رقابت‌های AFC کاپ شرکت خواهد کرد.

پس از این‌که کنفدراسیون فوتبال آسیا دو روز پیش سهمیه‌های کشورهای آسیایی در رقابت‌های لیگ قهرمانان و جام فدراسیون‌های منطقه‌یی آسیا را اعلام کرد، مشخص شد که نماینده پایخت افغانستان به عنوان آخرین قهرمان رقابت‌های فوتبال افغانستان می‌تواند در این مسابقات شرکت کند.

تیم فوتبال شاهین آسمایی نیز به دلیل حضور افغانستان در حوزه فوتبالی مرکز آسیا در نخست دو دیدار رفت و برگشت برابر تیم حاصلات تاجیکستان برگزار می‌کند که فصل گذشته، نایب قهرمان لیگ این کشور شده است. نخستین دیدار زردپوشان شاهین آسمایی در تاریخ ۱۲ دلو، بهمن و دیدار برگشت نیز در تاریخ ۱۹ ماه موصوف برگزار خواهد شد.

شاهین آسمایی در صورت پیروزی در این دو مسابقه رفت و برگشت، سپس به مصاف برنده دیدار باشگاهی تیم‌های قریزستان و ترکمنستان نیز خواهد رفت.

فدراسیون فوتبال کشور اعلام کرده است که تلاشش را برای گرفتن میزبانی در کابل با کنفدراسیون فوتبال آسیا آغاز کرده است. این فدراسیون اعلام کرده است، در صورتی که این مسأله متغی باشد، با کشورهای همسایه افغانستان در خصوص میزبانی تیم فوتبال شاهین آسمایی صحبت‌هایی صورت گرفته است.

زمان قرعه‌کشی مقدماتی جام ملت‌های آسیا تغییر کرد



براساس آخرین گزارش‌ها، نامه رسمی از سوی AFC به فدراسیون فوتبال کویت رسیده است که در این نامه اعلام شده، قرعه‌کشی مرحله نهایی مقدماتی جام ملت‌های آسیا از تاریخ ۱۸ جولای ۲۰۱۷ به تاریخ ۲۳ جولای تغییر پیدا کرده است.

اگر فدراسیون فوتبال کویت تا ۲۳ دسامبر هنوز هم از سوی فیفا در حالت تعلیق باشد، از قرعه‌کشی کنار گذاشته می‌شود. براساس یک خبر دیگر، در صورتی که تا تاریخ ۱۵ جولای ۲۰۱۷ تیم‌های فوتبال مالدیو و مالزی دیدار دوستانه‌یی برگزار نکنند، تیم ملی فوتبال افغانستان در سید سوم با تیم‌های فوتبال، مالدیو، لبنان، یمن، چین تایپه و میانمار قرار خواهد گرفت.

قرار گرفتن افغانستان در این سید به معنای هم گروه شدن با تیم‌های نام برده در مسابقات نیست، بلکه این بدین معنا است که افغانستان با تیم‌های سیده‌های بعدی برای صعود به جام ملت‌های آسیا جدال خواهد کرد.

Mandegar

در یک سیمینار علمی در کابل

عوامل و پیامدهای افراط‌گرایی بررسی شد



ابوبکر صدیق

سیمینار علمی "افراط‌گرایی و افغانستان" برای اولین بار توسط موسسه علمی و فرهنگی تسامح روز شنبه (۲۰ قوس) در کابل برگزار شد.

در این کنفرانس شماری از علما و پژوهشگران دینی اشتراک کرده بودند.

در این نشست عوامل مختلف ایجاد زمینه‌های افراطیت در افغانستان و منطقه مورد بحث قرار گرفت.

سید حسین اشراق حسینی استاد دانشگاه در این نشست گفت: امروزه افراط‌گرایی به یک معضل جدی در افغانستان تبدیل شده است. در حالی که گروه‌های افراطی گفت‌وگو را بی‌ارزش و حقیقت را در انحصار خود قرار می‌دهند.

آقای حسینی افزود: افراط‌گرایی پدیده جدید نیست، از گذشته‌ها که بشریت به آرزوی صلح بوده‌است، این پدیده به رنج بشریت افزوده و اصل تکثر اندیشه بشریت را با موانع رو برو ساخته است.

به گفته او، افراط‌گراها معطوف با هویت‌سازی بی‌محتوا و دست‌یابی به سلطه‌گرایی را جز مقدمات می‌شمارند و خشونت‌گرایی را ترویج می‌دهند.

او گفت که افراط‌گرایی در حال حاضر وارد مرحله جدیدی شده است، گروه‌هایی از این قماش مدعی به گذشته هستند و برای جامعه‌ها چالش برانگیز شده اند.

این استاد دانشگاه بیان کرد که باید بسترها و عوامل افراط‌گرایی در افغانستان مورد بررسی قرار گیرد. او گفت که ضرورت است تا نصاب‌ها و پژوهش‌هایی که در حوزه‌های آموزشی صورت می‌گیرد، مورد بررسی قرار گیرد. زیرا به شیوه‌های سنتی نمی‌توان به این مشکل فایق آمد.

او گفت که در مبارزه با افراط‌گرایی نهادهای آموزش و پرورش، رسانه‌ها و نهادهای جامعه مدنی باید تلاش کنند. هم‌چنان، عبدالوهاب رحمانی استاد دانشگاه که در این سیمینار صحبت می‌کرد گفت: یکی از پدیده‌های چالش‌برانگیز در افغانستان امروز افراط‌گرایی است که به ابعاد مختلف تقسیم شده است. افراط‌گرایی اسلامی تمدن این کشور را به چالش برده است.

آقای رحمانی افزود که اگر افراط‌گرایی اسلامی، خشونت و تروریسم مهار نشود، باعث سقوط کشورها می‌شود. در حالی که دین اسلام دین صلح و برادری است؛ اما افراط‌گرایی اسلامی توانسته در برخی موارد از دین استفاده سو کند. به گفته آقای رحمانی، افراط‌گرایی یک سبک است و پژوهشگران افراط‌گرا مبانی ظاهری را بیشتر در نظر دارند تا محتوای یک اصل را.

از سویی هم، عبدالحفیظ منصور پژوهشگر دینی و نماینده مردم کابل در مجلس بیان کرد که اسلام دین کامل و جامع است؛ اما اسلام‌گراهای تندرو با استفاده نام اسلام و اکتش‌های تند را بروز می‌دهند.

آقای منصور افزود که در یک طرف اسلام‌گرایی رجب طیب اردوغان نشسته در حالی‌که در طرف دیگر این ریسمان ابوبکر بغدادی قرار دارد. گروه‌های اسلام‌گرا می‌توانند افراد نرم و اعتدالی باشند، در حالی‌که این گروه‌ها می‌توانند مانند

بانو رضایی بیان کرد که تعبیض جنسیتی نقطه مشترک همه جریان‌های افراطی است که مثال عینی آن قتل تبسم و همراهانش و هم‌چنان خشونت‌ها در ننگرهاست.

به گفته او، همه گروه‌های افراطی بدون در نظر داشت جغرافیه‌بی فعالیت‌شان تعبیض جنسیتی را مورد نظر دارند و به خاطر ایجاد وحشت از تعبیض جنسیتی استفاده می‌کنند، مانند گروگان‌گیری زنان و کودکان در برخی از ساحات افغانستان و منطقه می‌باشد.

این عضو مجلس نماینده‌گان بیان کرد که بیشتر اتفاقات تعبیض جنسیتی در ساحات تحت سیطره داعش بوده که گروگان‌گیری زنان و نکاح اجباری را روا داشته اند که در افغانستان نیز این گروگان‌گیری‌ها وجود داشته است.

او گفت که در افغانستان بی‌دفاع‌ترین قشر زنان هستند که هر از گاهی این قشر قربانی می‌دهند.

او بیان کرد که دین اسلام ولاترین مقام را برای زنان قایل شده است؛ اما گروه‌های تندرو چگونه توانسته‌اند که پرچم داری اسلان باشند و به نام اسلام تعبیض کنند؟ تا زمانی پرچم دین از این گروه‌ها گرفته نشود، جلوگیری از تعبیض جنسیتی خشونت بار به وجود نخواهد آمد.

محمد محق مشاور رییس جمهور و پژوهشگر دینی که در مورد نقش مدارس دینی در افراط‌گرایی صحبت می‌کرد گفت: زمینه و فضای که در آن علما دینی و دانشمند بتوانند باهم به گفت‌وگو بپردازند در افغانستان ایجاد نشده است، در حالی که کشور ما به علما، امام مدارس نیاز دارد، نگاه ما به مدارس نگاه سبسیالوژی است.

آقای محق بیان کرد که تجربه کشورهای منطقه که مشترکات زیاد با ما دارند نشان می‌دهد که برخی از افراد که در مدارس دینی درس خوانده‌اند با اندیشه سنتی باقی مانده‌اند در حالیکه برخی دیگر جریان‌های اسلامی را ایجاد کرده‌اند.

به گفته او، در عصر حاضر مدارس آخرین سنگر در برابر مدرنیته محسوب می‌شود؛ اما می‌توانیم مدرسی داشته باشیم که سنگر در برابر مدرنیته نباشد.

او گفت که در پاکستان دانشجویان در مدارس حق نداشتند که به رادیو گوش دهند، یا تلویزیون ببینند و یا هم روزنامه بخوانند، شیوه که انسان را از اجتماع بیگانه می‌سازد و این شیوه‌ها می‌توانند باعث اندیشه‌های افراطی شوند.

آقای محق خاطر نشان کرد که زمان که طالبان به افغانستان هجوم آوردند، وقتی یک شیخ در یک مدرسه فتوا جنگ در افغانستان صادر می‌کرد ده هزار دانشجو مدرسه آماده جنگ می‌شدند، چون سخنان شیخ حالت تقدس را برای این افراد گرفته بود.

او بیان داشت که در حال حاضر شیوه‌های عرضه و تقاضا در افغانستان نهایت چالشی است، شمار کسانی که از مدارس به جامعه عرضه می‌شوند نسبت به تقاضا در توازن قرار ندارند، باید پنج تن از مدارس عرضه شود با اندیشه علمی تمام عیار که بهتر از ۱۰۰۰ نیمچه ملاهای افراطی است.

به گفته او، تفکر افراطی بیشتر جمود به شریعت است، این تفکر از اندیشه دینی بروز می‌کند. این در حالی است که تا هنوز دانشمندان نتوانسته اند که اندیشه افراطی را از دین جدا سازند و در این زمین دچار پارادوکس شده‌اند و در زدودن افراط‌گرایی از شریعت همه مقصراند.

از طرفی هم، روح‌الامین امین استاد روان شناسی که بحث روان شناسی را در افراط‌گرایی مورد پژوهش قرار داده بود بیان کرد که بیشتر افراط‌گراها به گذشته رغبت دارند و با روندهای در حال حاضر در تعرض قرار می‌گیرند.

آقای امین گفت که افراط‌گراها خود انگار و خود را مرجع اخلاقی تصور می‌کنند.

به گفته او، یکی از خصایص دیگر افراط‌گراها افکار خطی است و از اندیشه شبکه‌بی محروم اند.

او گفت که به اساس آمار جهانی ۱۰ درصد از افراد که جنگ‌ها را سپری کرده‌اند، دچار واکنش‌هاوند و روانی هستند؛ در حالیکه ۱۰ درصد دیگر این افراد به تغیر هویت را تلاش می‌کنند.

همچنان، شاه گل رضایی عضو مجلس نماینده‌گان در مورد تعبیض جنسیتی افراط‌گرایی گفت: جریان‌های افراطی در افغانستان به‌خاطر به دست آوردن سلطه و قدرت حقوق زن را به عنوان یک ارزش بیگانه تلقی می‌کنند.

بو کوحرام، داعش، طالبان و ... تندرو باشند. این پژوهشگر دینی بیان کرد که بستر تفکر اسلام‌گرایی سلفیت است و عوامل گسترش آن کشورهای غربی شده‌اند. او خاطر نشان ساخت که عربستان، پاکستان و ایران بیسترهای خوبی برای گسترش افراط‌گرایی هستند، ماهیت کار اسلام‌گراها بیشتر سلفیت است.

اما نماینده سفارت ایران در این نشست، دست داشتن ایران را در تقویت افراط‌گرایی بی‌اساس خواند.

در همین حال، مبارز راشدی معاون سابق وزارت اطلاعات و فرهنگ در سخنانی در این نشست گفت: افراط‌گرایی از مشکلاتی در منطقه است که پسوند دینی برایش داده شده است، این پدیده کشورهای اسلام و جهان را با چالش مواجه کرده است.

آقای راشدی گفت که اسلام‌گرایی با دین خلق شده است و این پدیده ریشه تاریخی از جنگ صفین دارد و متن تفکر دینی برخاسته است.

آقای راشدی با بیان این‌که ریشه‌های افراط‌گرایی به دو بُعد پژوهشی و دینی تقسیم شده که افراطیت پژوهشی در کشورهای اسلامی راه‌اندازی می‌شود، در بُعد دیگر افراط‌گراها می‌خواهند که هویت دین را با واکنش‌های تند فربه سازند.



English MUSLIM
LANGUAGE INSTITUTE

چهل و بربریت روز به روز بیشتر می‌شد. خشونت با گونه‌های متفاوت دامن جامعه را فرا می‌گرفت. دختران زنده به گور و زنان انسان دوم محسوب می‌شدند. ارزش‌های اخلاقی و انسانی رخت‌جسته و تاریکی بر جامعه بشری حاکم شده بود.

نیاز به یک تغییر انسانی و اساسی به شدت محسوس بود. به ناجی که مردم را از نادانی برهاند. این جاب‌بود که خداوند متعال لطف دیگری در حق بندگانش نمود و موعد میلاد پیامبر (ص) فرارسید. **وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ.**

(ای پیامبر): ما تو را فرستادیم تا رحمتی بر اهل عالم باشی. (قرآن کریم، سوره انبیا، آیه ۱۰۷)

حضرت محمد (ص) آمد و یار دیگر انسان‌ها را با خدا آشتی داد. در واقع میلاد و بعثت او، تجدید میثاق انسان‌ها با خدا بود.

انسان‌ها را تشویق به تعلیم و تعلم نمود، حیثیت انسانی زنان و دختران را یکبار دیگر زنده کرد؛ ارزش‌های انسانی و بهزیستی را نهادینه نمود. علیه فقر مادی و فکری شورید، حکومت اسلامی را برپایه عدل و انصاف پایه‌گذاری نمود. عرب و عجم را برادر خواند، برتری نژادی را مردود اعلام‌داشت و اساس برتری را در تقوا و پرهیزکاری معرفی کرد.

در میان عرب، به صداقت و راست‌گویی معروف بود. هنوز ۴۰ بهار از عمر با برکت ایشان نگذشته بود که بعثت رخ‌داد. زمام امور معنوی، سیاسی، اقتصادی و حکومتی مردم را بر عهده گرفت.

حضرت محمد (ص) روز دوشنبه، سال یازدهم هجری چشم از دنیای فانی بست و حضرت ابوبکر صدیق (رض) به‌عنوان خلیفه‌ی اول مسلمانین انتخاب گردید.



پیامبر (ص) مبارک

استبوت زبان انگلیسی مسلم، دوازدهم ربیع‌الاول، سالروز میلاد

آخرین فرستاده‌ی الهی، حضرت محمد مصطفی (ص) را به‌کافه‌ی ملت افغانستان و مسلمانان سراسر جهان خجسته‌باد می‌گویید.

امیدواریم راه‌تان خدایی و زندگی‌تان مملو از شادی باشد.